

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [مرد روز](#)]

[تاریخ: ۲۳ اکتبر ۲۰۱۳]

شاهین یک بهایی است

نامه یک دوست مسلمان از تهران

شاهین و همسرش مینا، دو دختر دارند. سال ۱۳۸۶ از کرمان به تهران آمدند. خانه بزرگ و ویلایی‌شان را در آنجا فروختند ولی مغازه‌شان را نگاهداشتند. شاهین تصور می‌کرد با فروش خانه بزرگش در کرمان، می‌تواند در تهران هم مغازه‌ای تهیه کند و هم آپارتمانی بخرد، اما حتی نتوانست یک آپارتمان هم برای خودشان تهیه کند. به همین دلیل به نوعی در تهران غافلگیر شده بود. همان زمان همسرم از من پرسید: چرا به او کمک نمی‌کنی؟ او به امورات تهران وارد نیست. گفتم: آنها بهایی هستند و بالاخره همسلکی‌هایشان به دادشان خواهد رسید.

آنها به بحران گرانی مسکن در اواخر سال ۱۳۸۶ برخورد کردند و شاهین فقط توانست زیرزمینی را در شهرک غرب بخرد. خانه جدید برای این خانواده که عادت به زندگی در یک خانه بزرگ داشتند بسیار سخت بود. بالاخره آنجا را نیز با ضرر فروختند و آپارتمانی به نسبت مناسب در یک مجتمع شلوغ خریداری کردند. او که به امید تحصیلات بهتر فرزندانش به تهران آمده بود از مدارس خوب دور افتاد. به همین دلیل دوباره آپارتمانش را اجاره داد و آپارتمانی در شهرآرا اجاره کرد.

مدتی بعد فهمیدم با بزرگ شدن دخترانش در شهرستان، اذیت و آزاری که از سوی برخی از افراد مذهبی و افراطی به خاطر بهایی بودنشان می‌دیدند، خیلی زیاد می‌شود و به همین دلیل و به ناچار تصمیم به ترک شهر و مهاجرت به تهران می‌گیرند. شاهین به همین دلیل هم هرگز نتوانست تخصصی را که در آن مهارت داشت سر و سامان دهد. کاری که در تهران گرفته بود نیز کفاف زندگی‌اش را نمی‌داد. تصمیم گرفت مغازه‌ای را که در کرمان داشت احیا کند. ناچار شد خانواده را در تهران تنها بگذارد و برای کار به کرمان برود. مدتی در حال رفت و آمد بود، ولی چندی نگذشت که مغازه‌اش را در کرمان به آتش کشیدند.

اکنون در تهران مغازه کوچکی را اجاره کرده است و گذران زندگی می‌کند. همسرش مینا نیز با وجود تحصیلات عالی در یک مهد کودک، به یکی از معدود شغل‌هایی که بهایی‌ها می‌توانند در آن بی‌سر و صدا کار کنند مشغول است. آنها آدم‌هایی هستند که بسیار به خدایشان توکل می‌کنند. به اعتقادات خود بسیار مومنند و خود را رستگار شده می‌دانند. شاید همین ایمان باعث صبر و تحمل‌شان در برابر مصائب می‌شود.

کشور ما سرشار از تبعیض است. نمی‌دانم در جریان وضع دلار یا سکه هستید یا خیر؟ ولی همان را نیز از جمله گردن بهایی‌ها انداخته‌اند و می‌گویند با خرید زیاد ارز کشور را به این روز انداخته‌اند. هم وزیر اطلاعات و هم کیهان هر دو به دروغ، مشکلات و بحران اقتصادی را به بهایی‌ها نسبت می‌دهند.

به راستی بهایی‌ها کی هستند؟ در برابر چشمانم زندگی اقتصادی یک خانواده بهایی کاملاً فروپاشید. من که همیشه در این مواقع کوتاهی نمی‌کردم در مورد او کوتاهی کردم و گفتم بالاخره هم‌فرقه‌ای‌هایش کاری خواهند کرد! چه فرقه‌ای؟ چه باندی؟ من بعد از او هر چه دقت کردم جز افرادی چون شاهین که با مصیبت و محرومیت شغلی و اقتصادی، با مشکلات زندگی دست به گریبان هستند، بهایی دیگری ندیدم.

در چنین شرایطی، اگر آینده صلح‌آمیزی برای ایران عزیز می‌خواهیم باید به درد هموطنانی که تبعیض بیشتری نیز بر آنها اعمال می‌شود توجه کنیم. وضع بهایی‌ها در این کشور غیر قابل توصیف است. آنها اصلاً به‌طور رسمی وجود ندارند. همه تبعیض عالم بر دوش آنهاست. از دیدن زندگی دشوار آنها در ایران شرمندهام.

من قبل از شاهین، با هیچ بهایی‌ای آشنایی نداشتم و از کم و کیف زندگی آنها مطلع نبودم. دیروز که شاهین را دیدم بلافاصله دو دختر زیبا و بااستعداد او جلوی چشم آمدند که به‌زودی دیپلم خواهند گرفت و محروم از دانشگاه خواهند شد.

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته‌ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]